

آداب جلاوسید

شہدا زندہ اند

(۶)

بادگیر خاکی

روایتی زندگی پاسدار شہید

«محمد نیکم بین»

مؤلف: محسن بغلانی



مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

سرشناسه	: بفلاسه، محسن، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: یادگیر خاک: روایتی از زندگی پاسدار شهید محمد نیکبین/ محسن بفلاسه
مشخصات نشر	: تهران: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۳ ص: صورت، ۱۳/۵ × ۲۱/۵ سم.
فروست	: شهیدا زندانها، ۶.
شابک	: 978-964-495-468-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: نیکبین، محمد، ۱۳۴۱ - ۱۳۶۲.
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- سرگذشتنامه
موضوع	: شهیدان -- بارمانگان -- خاطرات
رده بندی کنگره	: DSR۱۶۲۶ /۹/ب/۷ ۱۳۹۴
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۳۳۰۹۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۸۳۲۰۴

شهیدا زنده‌اند (۶)

یادگیر خاکی

روایتی از زندگی پاسدار شهید

«محمد نیکبین»

مصاحبه گر، گردآوری و تدوین: محسن بفلاسه

ناشر: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

نوبت چاپ: دوم ۱۴۰۳ / شمارگان: ۲۰۰ جلد

حروفچینی: ظریفیان / لیتوگرافی: سحر / چاپ و صحافی: قدرولایت (دبیتال)

طرح جلد: امیر خلیلی فرد

شابک: ۹-۶۶۸-۴۹۵-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

دفتر توزیع و پخش: خیابان پاسور - خیابان ۱۲ فروردین جنوبی - کوچه خاقانی پلاک ۸

تلفن: ۶۶۴۶۹۹۵۸-۶۶۴۱۱۱۵۱-۶۶۴۷۰۲۰۵

نشانی پایگاه اینترنتی: www.ghadr110.ir نشانی پست الکترونیکی: info@ghadr110.ir

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است

این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است



فهرست

۹	مقدمه مؤلف
۱۱	من به روایت محمد نیک‌بین
۱۱	مروری کوتاه بر زندگی شهید
۱۵	تولد
۱۸	اهمیت به لقمه حلال
۱۸	امرار معاش
۱۹	پدر الگوی پسر
۲۰	آغاز کار و فعالیت
۲۱	شکل‌گیری دفاتر تبلیغاتی
۲۹	اهمیت به نماز و تعقیبات
۳۱	بیت‌المال
۳۱	قناعت و پرهیز از اسراف
۳۲	ورود به سپاه و بسیج
۳۶	حجب و حیا
۳۸	جراحت توسط منافقین
۴۲	مسئولیت‌پذیری در قبال انقلاب
۴۳	تفریحات

۴۵	ورود به جبهه
۵۰	مهربانی با نوجوانان و کوچک‌ترها.
۵۲	ارتفاعات قلاجه
۵۶	میهمانی آخر!
۵۸	روحیه مضاعف
۵۹	اشک‌های خالصانه
۶۳	مصاحبه
۶۴	استقرار در پادگان دوکوهه
۷۰	مجروحیت
۷۴	گویی که جانی می‌رود
۷۷	بهشت بهشت، بهشت محنون! محنون، به گوشم!
۸۱	بادگیر خاکی
۸۳	پرواز محنون!
۹۱	به دلش افتاده بود!
۹۲	فاطمه جان! فاطمه جان! فرزندان می‌آیند...
۹۴	چشم انتظار پیکری که گمنام بود!
۹۶	بد حجاب‌ها و ضد انقلاب‌ها به تشییع جنازه‌ام
۹۶	نیابند
۹۷	چایی به یادماندنی
۹۸	دیدار یار
۱۰۰	نامه‌ای به فرمانده
۱۰۱	نظری به وصایای شهید



مقدمه ناشر

از دست دادن عزیزان و در غم فراق آنان نشستن، بسی جانکاه است و پرملال. ولی آن‌گاه که مؤمنی در حضور حضرت دوست با نوح کین اشقیبا با بال‌های خونین تا محضر حق پرکشیده و با خضاب خون در بارگاه مولا و مقتدای خویش، حضرت حسین بن علی علیه السلام رسیده و چون علمدار راست قامت کربلا سجده‌ای خونین به جای آورد، دیگر به جای آه و اشک و ماتم که امام راحل (ره): «ما برای کشته شدن حاضریم با خداى خویش عهد نموده‌ایم که دنباله‌روى امام خود سیدالشهدا باشیم.» اکنون بر ما از قافله جامندگان است که در ترویج معارف شهیدان بکوشیم و رسالت زینبی علیها السلام خویش را به جا آوریم تا در لشکر یزیدیان دوران جای نگیریم. عزیزانی که این حقیر را در تدوین کتاب حاضر یاری کردند، حقّ بزرگی بر من دارند که بدین وسیله از آنان قدردانی می‌کنم. بالأخص از برادران ارجمند مؤسسه وزین فرهنگی قدر ولایت، خانواده گرانقدر شهید که ما پس از

گذشت سی سال از شهادت این شهید بزرگوار، دریای آرام زندگی آنان را متلاطم ساختیم و نیز تمامی دوستان، هم‌زمان و یاران نوجوانی شهید و نیز خواهران ارجمند گرجی و جودکی تشکر می‌کنم. در پایان خطاب به دوستان جوان خویش این سخن مولا و رهبرمان، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، را یادآور می‌شوم که فرمود:

«من توصیه می‌کنم این کتابهایی که در شرح حال سرداران است، یا آنچه که در گزارش روزهای جنگ و سالهای دشوار اول بالخصوص نوشته شده، این را جوانها بخوانند. خود را سیراب کنید از معرفت به آنچه که در کتاب است در تاریخ انقلاب. همه باید بدانند که در دوران دفاع مقدس چه مجاهدت عظیمی از حضور مؤمنانه و پرتلاش نیروهای بسیجی در صحنه‌های جنگ اتفاق افتاد، این را همه باید بدانند.»

۱۴/ اردیبهشت/ ۱۳۸۷